

مروری بر آرایه‌های گچی محوطه‌های باستان‌شناسی سده‌های اولیه اسلام در نیشابور، استان خراسان رضوی، ایران

نیایش خاکسار باغان^۱ ✉، یاسر حمزوی^۲ ID

۱. دکترای حفاظت و مرمت و کارشناس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ایران.
۲. دانشیار پژوهشکده بناها و بافت‌های تاریخی فرهنگی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران. ایران.

چکیده: نیشابور به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر خراسان بزرگ، به دلیل اقلیم و شرایط آب و هوایی، آرایه‌های گچی زیبایی را در خود جای داده است. کاوش‌های باستان‌شناختی متعددی در این شهر انجام شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کاوش‌های هیئت موزه متروپولیتن نیویورک در چهار تپه موسوم به شهر قدیم نیشابور و بررسی‌های باستان‌شناختی محوطه شادیاخ اشاره کرد. در حفاری‌های شهر قدیم نیشابور، بقایای آرایه‌های معماری متنوعی از جمله آرایه‌های آجری، آرایه‌های گچی و دیوارنگاره‌های سیاه و چندرنگ یافت شده است. در محوطه کهن‌دژ، کهن‌ترین بخش شهر قدیم نیشابور، نیز شواهدی از وجود مصالح گچی یافته شده است. بررسی‌های باستان‌شناختی انجام شده در محوطه شادیاخ منجر به کشف آرایه‌های معماری فراوانی از جمله قطعات گچی و دیوارنگاره‌ها شد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در شادیاخ، سازه‌های معماری باشکوهی وجود داشته است. آرایه‌های گچی یافت شده در نیشابور اغلب به شکل قاب‌های گچی با نقوش برجسته هستند. در شادیاخ، نمونه‌هایی با نقش برهشته انسانی نیز یافته شده است. نقوش گچ‌بری شده شامل انواع هندسی، گیاهی و کتیبه‌های نوشتاری هستند که شباهت قابل توجهی با آرایه‌های گچی عباسیان در سامرا دارند. زمینه این قاب‌های که عموماً در آذین دیوارها و ازاره به کار می‌رفتند، با استفاده از نقوش هندسی آژده‌کاری شده‌اند و بر روی تعدادی از آن‌ها رد و نشان رنگ‌های آبی و قرمز مشاهده شده است. بخشی از آرایه‌های گچی یافت شده توسط هیئت آمریکایی، به موزه متروپولیتن و موزه ملی منتقل شده‌اند و تعدادی از آن‌ها نیز در موزه بزرگ خراسان هستند. بخشی نیز در محوطه شادیاخ نگهداری می‌شوند. این پژوهش با هدف معرفی آرایه‌های گچی یافت شده در کاوش‌های محوطه‌های باستان‌شناسی نیشابور تدوین شده است چرا که این آثار از ارزش و اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و تاکنون بررسی جامع و متمرکزی بر روی آن‌ها صورت نگرفته است..

کلیدواژگان:

آرایه‌های گچی

خراسان بزرگ

نیشابور

شادیاخ

محوطه‌های باستان‌شناختی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

© ۲۰۲۵/۱۴۰۴ نویسنده(گان). این

مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت

مجوز **CC BY 4.0** منتشر شده است.

استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع

درست مجاز است.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.551496.1011>

۱. مقدمه

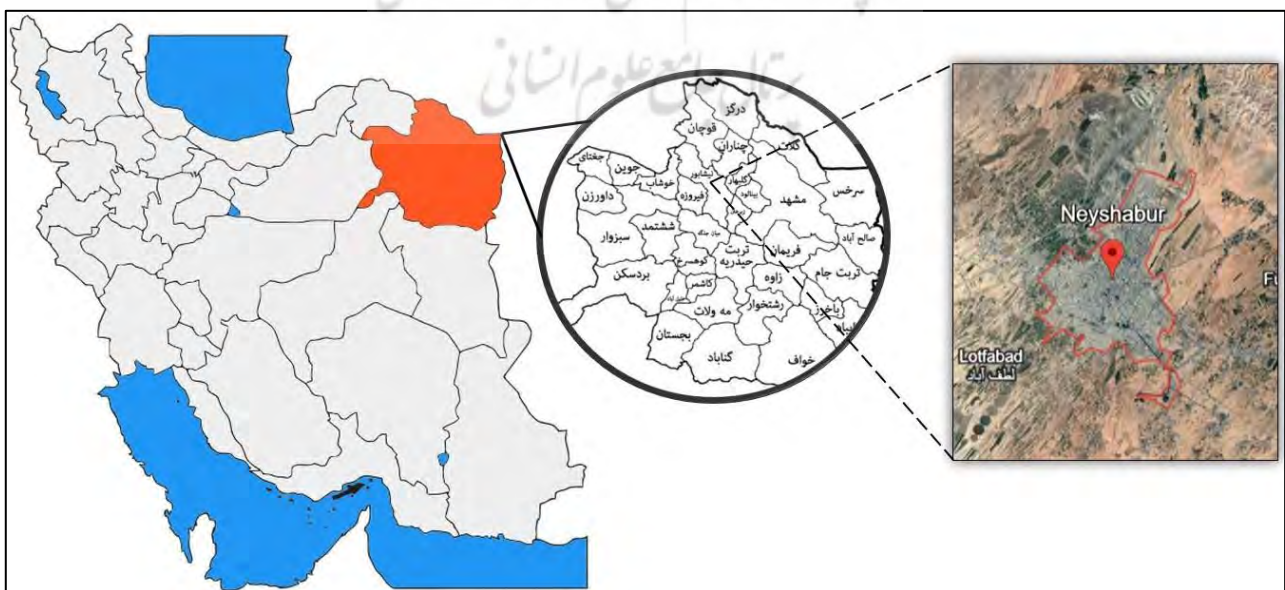
آرایه‌های معماری همواره نقشی اساسی در نمایش شکوه و بزرگی کاخ‌ها، عمارت‌ها و منازل مسکونی داشته‌اند. تفاوت‌های اقلیمی در مناطق مختلف ایران، منجر به تنوع در مصالح و روش‌های اجرایی این آرایه‌ها شده است. در این میان، اقلیم گرم و خشک خراسان شرایطی را فراهم نموده که آرایه‌های گچی بیش از دیگر آرایه‌های معماری رواج یابند. افزون بر این، باوجود حملات متعدد و رخدادهای طبیعی همچون زمین‌لرزه‌های مهیب، دقت و مهارت استادکاران گچ‌کار به گونه‌ای بوده است که برخی از این آثار همچنان در بناهای تاریخی برجای مانده‌اند. این آرایه‌ها نه تنها بازتاب‌دهنده هنر و اندیشه هنرمندان سده‌های گذشته‌اند، بلکه ما را با جریان‌های فرهنگی و هنری تأثیرگذار آن دوران نیز آشنا می‌سازند. دشت نیشابور از شمال به رشته‌کوه‌های بینالود منتهی شده و از سمت غرب و شمال غربی نیز به دشت گرگان و سواحل جنوبی دریای خزر می‌رسد (ویلیکینسون، ۱۳۸۰). این منطقه تابستان‌های طولانی خشک و گرم و زمستان‌هایی سرد و کوتاه دارد و باتوجه به اختلاف سطح موجود میان دشت نیشابور و کوه‌های منطقه (شکل ۱)، شرایط خاص آب و هوایی بر این شهرستان حاکم است (طاهری، ۱۳۸۴: ۹). راه بزرگ خراسان که در یک سده اخیر به نام راه ابریشم شهرت یافته است، نه تنها زمینه تبادل کالا میان جوامع مختلف را مهیا می‌ساخت، بلکه مسیری برای تبادل فرهنگ، اندیشه و اعتقادات مردمان شرق و غرب آسیا نیز

به‌شمار می‌رفت. نیشابور در این میانه راه، در مقام «مسکن بازرگانان» یکی از کانون‌های صادرات و واردات کالاهای تجاری و یکی از عمده‌ترین مراکز تلاقی افکار و اندیشه و فرهنگ‌های مختلف به‌شمار می‌رفت (لباف‌خانیک، ۱۳۹۳). نیشابور در دوران اسلامی از رونق و گسترش بی‌نظیری برخوردار گشت. در روزگار طاهریان و سامانیان و سلجوقیان مرکز خراسان بود و بعداً در اثر حمله مغول و حدوث زلزله‌های سخت، شاهد ویرانی‌های زیادی بود (حفریات نیشابور، ۱۳۱۸). عوامل متعددی به‌طور پیوسته مسبب تخریب این شهر بوده‌اند که از جمله آن‌ها بروز جنگ‌ها و هجوم‌های پی‌در پی بوده چرا که نیشابور مانند دیگر شهرهای قدیمی همچون ری و دامغان در شاهراه خراسان و جاده ابریشم قرار داشت و این گذرگاه به غیر از اینکه پیوسته در خدمت تجارت و مسافرت بوده، مورد تهاجم بیگانگان قرار می‌گرفت. زلزله‌ها دومین عامل ویرانی این شهر هستند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۲). ابو عباس یعقوبی اولین شخصی است که اشاره‌ای دقیق به وقوع زلزله در نیشابور کرده است. بنا بر گفته این مورخ در روز سه‌شنبه ۱۸ شعبان سال ۲۴۲ هجری (۲۲ دسامبر ۸۵۶ میلادی)، زلزله‌هایی در حوالی قومن و نیشابور و مناطق مجاور آن‌ها به وقوع پیوست که موجب ناپدید شدن حدود دویست هزار انسان شد (Melville, 1980).

محوطه‌های باستان‌شناختی نیشابور، به‌ویژه در سده‌های نخستین دوره اسلامی، دارای آرایه‌های گچی ارزشمندی هستند که بیانگر پیشرفت‌های هنری، زیبایی‌شناختی و فنون معماری آن دوران‌اند. با این حال، مطالعه جامع این آرایه‌ها از نظر سبک‌شناسی، شیوه‌های اجرا و تأثیرات فرهنگی هنوز به‌صورت گسترده انجام نشده است. فقدان مستندات کافی و آسیب‌های محیطی، ضرورت انجام پژوهش‌های تطبیقی و تحلیلی را دوچندان می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی ویژگی‌های فنی و زیبایی‌شناختی آرایه‌های گچی نیشابور و جایگاه آن‌ها در معماری اسلامی، داده‌های باستان‌شناختی و منابع تاریخی را تحلیل می‌کند.

نخستین توجه جدی به آرایه‌های گچی نیشابور به‌واسطه کاوش‌های علمی هیئت آمریکایی موزه متروپولیتن نیویورک جلب شد. این کاوش‌ها منجر به کشف محله‌های تاریخی هزارساله‌ای شد که در آن‌ها نمونه‌های بی‌نظیری از آرایه‌های گچی یافت شد. متعاقب آن، کاوش‌های دیگری در نیشابور صورت گرفت که به شناسایی محوطه تاریخی شادیاخ انجامید. یافته‌های به‌دست‌آمده، تأییدی بر نقش پررنگ گچ به‌عنوان عنصری غالب در تزئینات معماری منطقه خراسان است. حفاظت اصولی از این آرایه‌های ارزشمند، می‌تواند به درک بهتر سبک زندگی و نگرش فکری-فرهنگی مردمان آن دوران کمک کند.

آرایه‌های گچی نیشابور از نظر سبک‌شناختی قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه در سامرا و نائین هستند، با این حال، نقوش و قواعد اجرایی آن‌ها مرحله‌ای جدید از نقوش تزئینی در دوران اسلامی را به نمایش می‌گذارد که احتمالاً به نیمه دوم قرن دهم میلادی تعلق دارد. نقوش حک‌شده بر این آرایه‌های گچی، حلقه اتصال مهمی میان سبک‌های عباسی و سلجوقی محسوب می‌شوند (Dimand, 1938). با وجود تمامی آثار و شواهد موجود در این بخش از سرزمین ایران که گواهی بر قدمت و اهمیت آن در طول تاریخ بوده، نیشابور در میان باستان‌شناسان و صاحب‌نظران به سفال‌های بی‌بدیل خود شهره است. این درحالی است که بقایای کاوش شده در حفاری‌های متعدد صورت گرفته در این خاک، یافته‌های ارزشمندی جز سفال‌ها را نیز شامل می‌شود که در نوع خود یکتا بوده و سخن‌چندانی از آن‌ها به‌میان نمی‌آید. آرایه‌های گچی یافت شده در کاوش‌ها باستان‌شناختی شهرستان نیشابور در زمره این آثار ارزشمند قرار دارند که بر خلاف آثار سفالی تا حد زیادی گمنام باقی مانده‌اند. لذا این پژوهش کوشش دارد به معرفی محوطه‌های تاریخی کاوش شده و آرایه‌های گچی یافت شده در آن بپردازد و تنوع، زیبایی و ارزش قابل‌توجه آن‌ها را یادآور شود.



شکل ۱. موقعیت شهرستان نیشابور در نقشه ایران.

پژوهش حاضر کیفی بوده و به روش توصیفی انجام شده است. این مطالعه به معرفی آرایه‌های گچی یافت شده طی کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های تاریخی شهرستان نیشابور می‌پردازد. گردآوری داده‌ها در ابتدا به روش میدانی بر مبنای تهیه مستندات تصویری بوده و در نهایت از منابع کتابخانه‌ای و اسناد منتشر شده بهره گرفته شده است. مقاله در آغاز به معرفی محوطه‌های باستان‌شناختی نیشابور پرداخته و به ترتیب آرایه‌های گچی کاوش شده در آن‌ها را با ارائه مستندات تصویری نمایش می‌دهد و در ادامه با تحلیلی از نقوش اجرا شده بر روی این آرایه‌ها و جمع‌بندی به پایان می‌رسد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته بر روی آرایه‌های گچی شهر نیشابور، عمدتاً محدود به اشاره‌ای ضمنی بوده است و در بهترین شکل خود صرفاً متمرکز بر یک بخش ارائه شده‌اند. به‌عنوان مثال ویلکینسون (۱۹۸۶) در کتاب خود به گزارش کاوش‌های انجام گرفته در محوطه تاریخی شهر قدیم نیشابور پرداخته و از آرایه‌های گچی به‌عنوان گروهی از خیل عظیم آثار یاد کرده است. رجبعلی لباف‌خانیک (۱۴۰۰) نیز به‌عنوان سرپرست کاوش محوطه شادیاخ در کتاب خود به تفسیر و تحلیل داده‌های یافت شده طی کاوش‌های باستان‌شناختی پرداخته است. در ایران مصباح‌اردکانی و لزگی (۱۳۸۷) و منتشر (۱۳۹۶) به شباهت موجود در نقش‌مایه‌های آرایه‌های گچی دوران اولیه ورود اسلام به ایران با آرایه‌های گچی ساسانی پرداخته‌اند و از آثار نیشابور به‌عنوان حلقه ارتباطی مهم میان این دو دوره یاد می‌کنند. صالحی کاخکی و تقوی‌نژاد (۱۳۹۷) نیز به یکی از نمونه‌های یافت شده در تپه سبزپوشان به‌عنوان نمونه‌ای با ترکیب‌بندی گیاهی اشاره نموده‌اند. احمدی و شکفته (۱۳۹۰) نیز از آرایه‌های گچی شهر قدیم نیشابور به‌عنوان بخشی از آرایه‌های گچی یافت شده در قرون اول دوران اسلامی در ایران یاد کرده‌اند. خاکسار باغان و همکاران (۱۴۰۳) نیز صرفاً به مطالعه ساختارشناسی ۵ قطعه از آرایه‌های گچی محوطه شادیاخ پرداخته‌اند. در خارج از ایران نیز در پی کاوش‌های شهر قدیم نیشابور توسط گروه هیئت آمریکایی، مطالعاتی در رابطه با ازارهای گچی سبزپوشان و آرایه‌های گچی سامانی منتشر شده است (Dimand, 1938; Hauser, 1936). لذا وجود پژوهشی که مشخصاً متمرکز بر آرایه‌های گچی یافت شده در شهر نیشابور باشد لازم بوده تا بتواند این آثار ارزشمند را به روشنی معرفی نماید.

۳. نیشابور در سده‌های اولیه دوره اسلامی

به نظر می‌رسد نیشابور در عصر ساسانیان بنا شده و به‌عنوان یک دژ نظامی به جهت حفاظت از معاملات و داد و ستدهای صورت گرفته در جاده موسوم به ابریشم نقش کلیدی و مهمی داشته است (Holakooei et al., 2018). شاپور اول در بخشی از کتیبه زرتشت واقع در نقش رستم نیز مناطق تحت عنوان مرو، سغد، هرات و ابرشهر را در «حوزه خراسان بزرگ» برشمرده است. کاوش‌های باستان‌شناختی در نیشابور آشکار ساخته که هسته اولیه این شهر که در زمان یزدگرد (I) بنا شده، قلعه‌ای نظامی بوده و پادگانی در برابر مهاجمان شمال شرق به‌شمار می‌رفته است (لباف‌خانیک، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۴). نیشابور عمدتاً به پشتوانه دوران اسلامی خود شناخته می‌شود، چراکه برخی از حکومت‌های محلی مانند طاهریان و صفاریان آن را پس از «مرو» به‌عنوان پایتخت خراسان بزرگ برگزیدند (بی‌باک، ۱۳۹۸). در کتاب تاریخ‌البلدان به چگونگی محاصره و تسلیم نیشابور به هنگام هجوم اعراب اشاره شده است.

«ابن عامر، پُشت، اشپند، رُخ، زاوه، خواف، اسپراییین و ارغیان را در نیشابور فتح کرد تا به ابرشهر رسید و آن تختگاه نیشابور است. چندین ماه آن شهر را محاصره داشت. هر محلت از آن شهر را موکلی بود. موکل یکی از محلت‌ها امان خواست و پذیرفت که مسلمانان را به شهر اندر کند. پس وی را دادند. مرد شبانگاه مسلمین را به درون برد و ایشان دروازه شهر را گشودند. مرزبان، با گروهی به کهندژ شد و پس از چندی بر همه نیشابور امان خواست و پذیرفت که مالی بپردازد. ابن عامر به هزارهزار درهم یا به قولی هفتصدهزار درهم با وی صلح کرد و چون نیشابور را سراسر فتح نمود، قیس ابن هبشم سلفی را بر آن گماشت» (البلاذری، بی‌تا: ۱۵۹).

یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تاریخی اوایل دوران اسلامی، تغییر دستگاه خلافت بنی‌امیه به عباسی در عراق بود. این تحولات سیاسی به رهبری ابومسلم خراسانی از خراسان آغاز شد. وی همراه با پرچمی سیاه رنگ در سال ۱۳۰ هجری قمری وارد نیشابور شد (Wilkinson, 1986: 23). قیام و پس از چندی قتل ابومسلم به دست ابوجعفر منصور، عاملی پررنگ در شکل‌گیری جنبش‌های فکری، اعتقادی و اجتماعی مانند قیام سنباد در نیشابور بود (لباف‌خانیک، ۱۳۹۴: ۷۰). در ادامه نیز مخالفان حکومت عباسی که به حفظ برخی رسوم محلی و ملی علاقه‌مند بودند، مخالفت خود را با حکومت به تدریج گسترش دادند و این مخالفت‌ها منجر به تشکیل سلسله‌های مستقلی گردید که رفته‌رفته نفوذ خود را از شرق به دیگر نقاط گسترش دادند (کیانی، ۱۳۹۸: ۴۱). از جمله این حکومت‌های مستقل محلی می‌توان طاهریان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان را نام برد. در سال ۲۰۵ هجری (۸۲۰ میلادی)، طاهربن حسین ذوالیمینین از سوی مأمون به‌عنوان حاکم خراسان منسوب شد. طاهر به محض ورود به نیشابور نام خلیفه را از خطبه‌های نماز جمعه حذف و اعلام استقلال کرد و نیشابور را به‌عنوان پایتخت خود برگزید. این اقدام طاهر سبب شد نیشابور از اهمیت بسزایی برخوردار گردد. پس از گذشت ۵۴ سال، نیشابور در سال ۲۵۹ هجری توسط یعقوب لیث صفاری فتح شد که در پی اسارت محمدبن طاهر در سیستان، حکومت طاهریان منقرض گردید و این بار عمرولیث صفاری در ۲۷۹ هجری با فتح نیشابور، آنجا را پایتخت خود معرفی نمود (بدری، ۱۳۹۰). پس از عمرولیث خراسان

به دست سامانیان افتاد. در سال ۳۳۳ هجری امیرنوح سامانی (نوح اول) وارد نیشابور شد و حدود ۵۰ روز در آنجا سکونت گزید و سپس حکومت آن را به ابراهیم بن سیمجور سپرد و خود به بخارا بازگشت. بین سال‌های ۳۸۲ تا ۳۸۴ نیشابور میان سامانیان و دیلمیان دست به دست می‌شد. در نهایت به سال ۳۸۴ هجری امیر نوح سامانی دوم نیشابور را تصرف کرد و حاکمیت آن را به امیر محمود غزنوی فرزند سبکتکین داد و خود به بخارا بازگشت (دشتی، ۱۳۸۳).

سبکتکین، سلطان ترک‌نژادی بود که سلسله غزنویان را پایه‌گذاری کرد. علت نام‌گذاری این حکومت، مرکز فرمانروایی آن‌ها در شهر غزنی (۹۰ مایلی جنوب غرب کابل امروزی) بود که از نیمه دوم قرن چهار هجری تا نیمه اول قرن شش هجری در آن حکومت می‌کردند. سلطان محمود پسر سبکتکین یکی از قدرتمندترین پادشاهان این سلسله بود که حکومت خود را علاوه بر افغانستان امروزی در بخش اعظمی از ایران و شمال هندوستان گسترش داد (بمباجی، ۱۳۷۶: ۷۴).

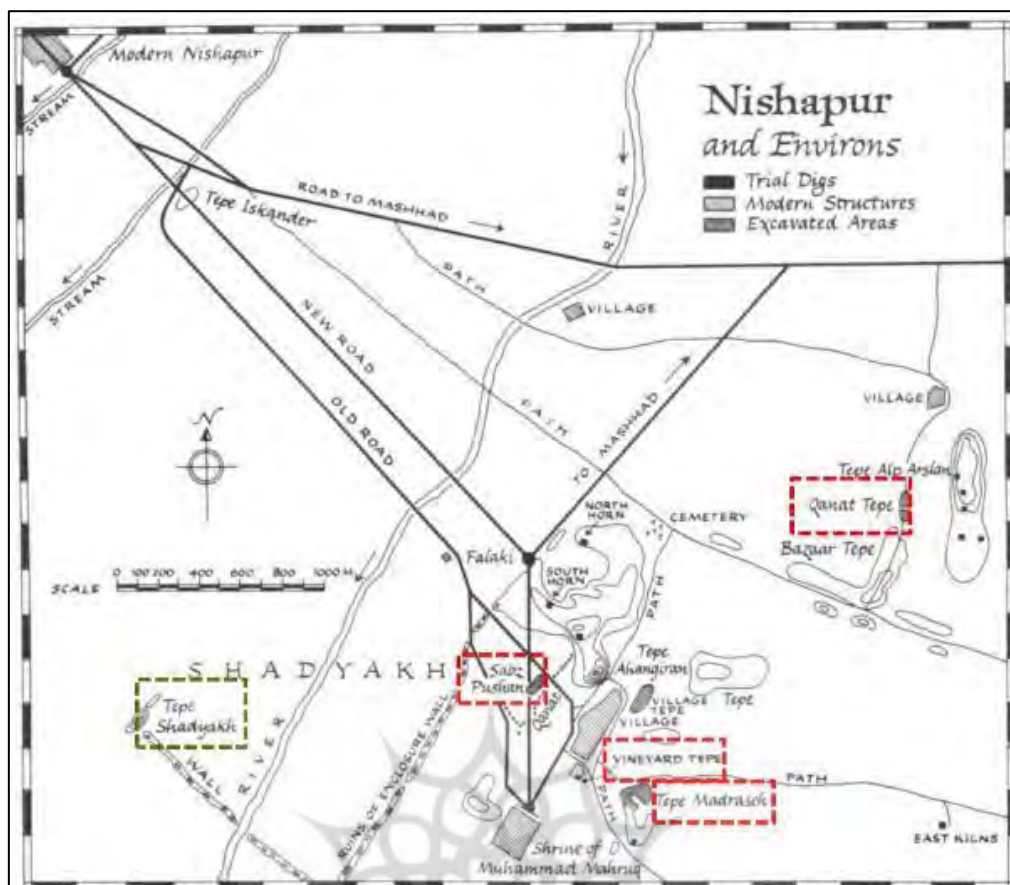
نیشابور به‌عنوان مرکز خراسان، به هنگام پیشروی سلسله سلجوقی در ایران، دو بار به تصرف درآمد؛ اول بار در شعبان ۴۲۹ هجری (مه ۱۰۳۸ میلادی) زمانی که سلجوق‌ها لشکر غزنویان را در نزدیکی سرخس شکست دادند و دوم بار در ۸ رمضان ۴۳۱ (۲۳ مه ۱۰۴۰ میلادی) پس از شکست مجدد سلطان مسعود در نبرد دندانقان (Paul, 2005). در سال ۴۲۹ هجری طغرل بیگ نیشابور را به تصرف خود درآورد و آن را پایتخت خود قرار داد. پس از مرگ طغرل، آلبارسلان جانشین وی گردید و با وجود اینکه دربار خود را به اصفهان منتقل کرده بود، اغلب روزهای خود را در نیشابور می‌گذراند. در دوران سلطنت ملکشاه نیشابور به‌واسطه حضور وزیر دانشمند، خواجه نظام‌الملک طوسی، از حیث علم و فرهنگ رونق چشمگیری پیدا کرد و نظامیه و سیزده کتابخانه در آن تأسیس شد. این آبادانی تا زمان حمله غزها که مانند سلاجقه از ترکمانان مسلمان ماوراءالنهر بودند و در پی فتوحات قراخانیان به بلخ مهاجرت کردند ادامه داشت. با حمله غزها به نیشابور، خرابی‌های جبران‌ناپذیری از جمله قتل‌عام دانشمندان و علماء وقت، غارت کتابخانه‌ها و به آتش کشیده شدن پنج کتابخانه رخ دادند. این تلخ‌کامی‌ها تا آن هنگام ادامه یافت که یکی از غلامان سلطان سنجر که «موید آی آبه» نام داشت شهرهای نیشابور، بیهق، طوس، نساء، ایبورد و دامغان را از غزها باز پس گرفت (زنگنه، ۱۳۷۶). در دوران حکومت سلطان ملکشاه به سال ۴۶۵ هجری، خراسان و شهرهای آن، از جمله نیشابور از موقعیت مناسبی برخوردار گردیدند. امنیت در این منطقه تثبیت شد و ثبات سیاسی اندکی که موقعیت خراسان اجازه می‌داد به پیشرفت اقتصادی این ولایت کمک کرد. در این دوران، شهرهای خراسان از جمله نیشابور در مسیر راه کاروانی قرار داشتند و ماورای عراق و بغداد را به آسیای میانه متصل می‌کردند (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۲).

۴. محوطه‌های باستان‌شناختی دوره اسلامی نیشابور

خراسان بزرگ در سده‌های اولیه دوره اسلامی، از وسعت قابل‌توجهی برخوردار بود و پا از مرزهای سیاسی کنونی فراتر می‌گذاشت. به دلیل اقلیم و شرایط آب و هوایی حاکم بر آن، آرایه‌های گچی زیبایی را در خود جای داده است. در ذیل به ابنیه و محوطه‌های شناخته‌شده در اقصی نقاط این استان کهن‌سال و پهناور می‌پردازیم که انواع و اقسام آرایه‌های گچی را به‌عنوان عاملی جهت خوش‌سیما نمودن و تکمیلی مناسب برای معماری ساده آن دوران به نمایش گذاشته‌اند (شکل ۲).

۱-۴ **کهندژ:** کهن‌ترین بخش شهر قدیم نیشابور، منطقه‌ای موسوم به کهندژ بوده که گویا به کرات تخریب و بازسازی شده است. کهندژ بر فراز تپه‌ای به ارتفاع ۱۰ متر در زمان ساسانیان در وسعتی حدود ۴۰/۰۰۰ متر مربع ساخته شده است. در جنوبی‌ترین بخش کهندژ، در چارچوب ترانشه‌ای، آثار و نشانه‌های دروازه عظیم کهندژ مشاهده شده است. این دروازه عظیم با خشت‌هایی در ابعاد ۱۰×۴۲×۴۲ تا ۱۲×۵۰×۵۰ سانتی‌متر و چینه‌انداز شده بودند. ۲۶ متر دهانه پیشخوان داشته و ضخامت هر یک از بازوهای طرفین آن نیز چیزی حدود ۱۰ متر بوده است. پیشخوان دروازه در میان دو برج عظیم به قطر حدود ۱۵ متر قرار داشته است. برج سمت شرقی ورودی در اوایل اسلام تخریب و بر روی خرابه برج، سازه معماری آجری با کف و دیوارهای گچ‌اندود ساخته شده و در کف آن سازه تنور و اجاق ایجاد شده است (لباف‌خانیک و کروان، ۱۳۸۶). در این منطقه گچ تنها در قالب ملاط گچی یافت شده و شواهدی مبنی بر وجود آرایه‌های گچی همچون تپه‌های شهر قدیم نیشابور و شادیاخ در این محوطه یافت نشد (لباف‌خانیک، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۹).

۲-۴ **شهر قدیم نیشابور:** سایت باستان‌شناختی نیشابور، چند کیلومتری شرق نیشابور کنونی در مجاورت آرامگاه عطار و خیام نیشابوری واقع شده است (Haddon, 2016). اگر بخواهیم محدوده شهر قدیم نیشابور را بر اساس نشانه‌های زمین و ردپای خانه‌ها تجسم کنیم می‌توان گفت شروع آن از «بالای محلی که فعلاً راه تهران - مشهد از آنجا عبور می‌کند» بوده، به سمت جنوب رفته در آرامستان «حیره» که آرامگاه خیام در آن واقع است منتهی می‌شود. از سمت جنوب شرقی به مزار فضل‌بن شاذان رسیده و از غرب و جنوب غربی تا آرامگاه عطار امتداد دارد (موبدثابتی، ۱۳۵۳: ۳). خوشبختانه، ناحیه باستان‌شناختی نیشابور، به‌طور تقریبی از بخش شهرنشین کنونی فاصله دارد و چرایی این جابه‌جایی را می‌توان در مسائل اجتماعی و طبیعی مانند حملات متعدد نظامی و زلزله‌های سهمگین جست‌وجو کرد. با این وجود شاخه شرقی تنها خط آهن موجود در این شهرستان که به شهر مشهد منتهی می‌شود و در نیمه قرن گذشته احداث شده است، از ضلع شمال غربی تا ضلع جنوب شرقی این سایت تاریخی گذر کرده و از میان بقایای کهندژ و احتمالاً اولین مسجد جامع شهر قدیم عبور می‌کند (Rante and Collinet, 2013: 2).

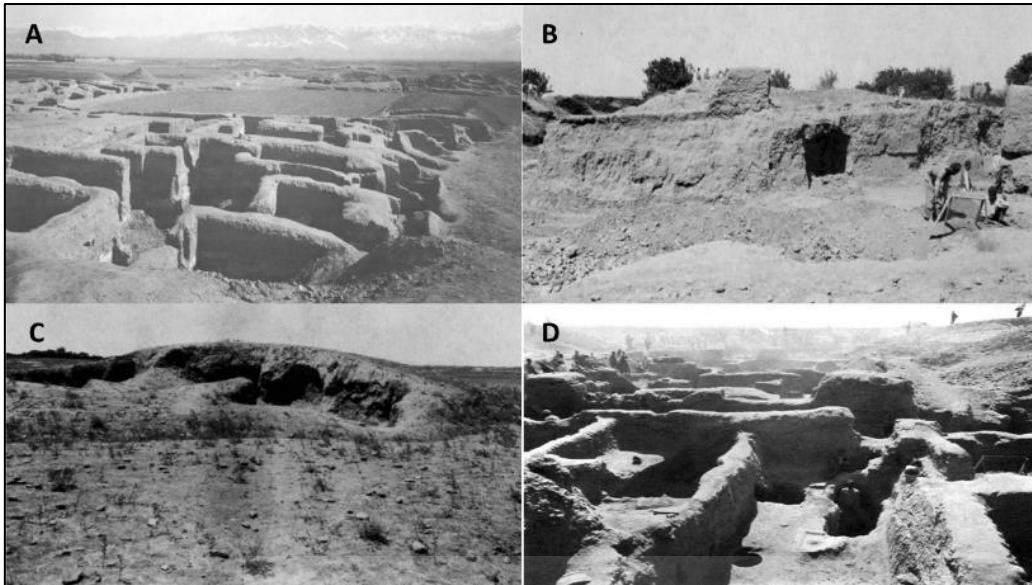


شکل ۲. موقعیت قرارگیری محوطه‌های تاریخی شهر قدیم نیشابور و شادیاخ (Wilkinson, 1986)

در سال ۱۹۳۵ میلادی هیئتی از سوی موزه هنر متروپولیتن نیویورک با کسب اجازه از وزارت فرهنگ و هنر وقت در محل شهر قدیم نیشابور (چهار تپه به نام‌های مدرسه، تاکستان، سبزپوشان و قنات) حفاری علمی را آغاز کردند و این کاوش‌ها تا سال ۱۹۴۷ (به دلیل وقفه هفت ساله‌ای به واسطه بروز جنگ جهانی دوم) ادامه یافتند (شکل ۳). وظیفه ساماندهی کاوش‌ها بر عهده چارلز ویلکینسون و جوزف آپتن بود. در آخرین فصل حفاریات، تعداد کمی کوره و انبارهای ذخیره خانگی خالی یافت شدند و در مجموع مقدار زیادی سفالینه لعاب‌دار و بی‌لعاب به دست آمد. همچنین مقداری شیشه، آثار فلزی، تعدادی سکه، بقایای آرایه‌های معماری در شکل آجرهای تزئینی، آرایه گچی، دیوارنگاره‌هایی سیاه و یا چندرنگ که بر روی گچ سفید اجرا شده بودند یافت شدند (Wilkinson, 1986: 18-19). آرایه‌های گچی نیشابور را می‌توان به آرایه‌های گچی یافت شده در سامرا و نائین نسبت داد با این تفاوت که نقوش و قواعد اجرایی آن‌ها فاز جدیدی از نقوش تزئینی ایرانی در دوران اسلامی را نمایان کرده و احتمالاً به نیمه دوم قرن دهم میلادی تعلق دارند. نقوش نقر شده بر روی این آرایه‌های گچی، پیوندهای مهمی میان سبک‌های عباسی و سلجوقی هستند (Dimand, 1938).

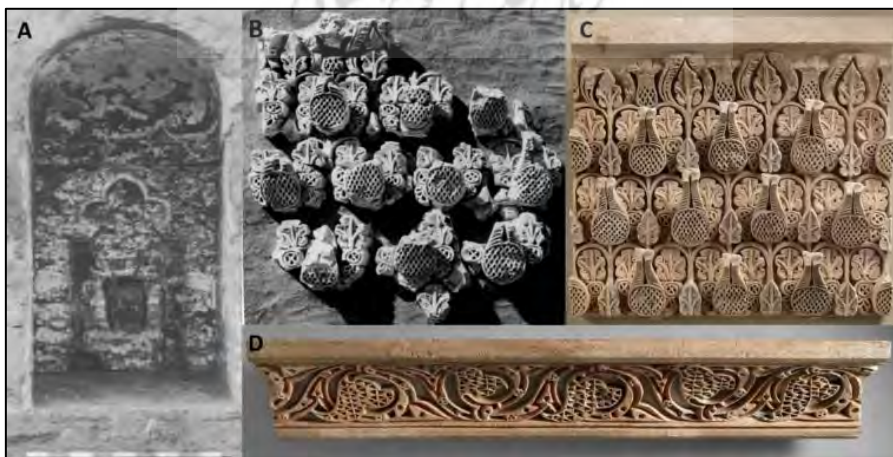
طی سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۰ و فصل کوتاهی در ۱۹۴۷ (Wilkinson, 1986: 13) و کشف چهار محوطه سبزپوشان، تپه مدرسه، تپه تاکستان و قنات تپه، قاب‌های گچی در نیشابور توسط هیئت کاوش موزه متروپولیتن از دل خاک بیرون آمدند که جزو بحث برانگیزترین آرایه‌های گچی خراسان بزرگ محسوب می‌شوند. از برخی آرایه‌های گچی نیمه دوم قرن دهم میلادی (چهارم هجری) به دست آمده از کاوش‌های نیشابور، قاب‌بندهایی با رشته‌هایی از آذین گل‌سرخ ریز و درشت در ترکیب با پیچک‌ها و نیز برگ‌های نخل و همچنین، تزئین یافته و با رنگ‌های زرد، سیاه، سفید، قرمز و آبی رنگ آمیزی شده‌اند. نکته قابل توجه این است که در بعضی از آذین‌های گل‌سرخ درشت، سبک نقوش جانوری سنت کهن ایرانی ظاهر گشته و برگ‌های نخل از منقار پرندگان، به شکلی نمادین آویزان شده‌اند. عموم این آرایه‌ها دوعدی هستند و فقط چند عدد از جزئیات کوچک قالب برجسته دارند (شراتو، ۱۳۷۶: ۶۰). کامل‌ترین قسمت آرایه‌های گچی کاوش شده توسط هیئت آمریکایی در نیشابور، متعلق به تپه سبزپوشان است که شامل مقرنس‌های دیواری است و در قسمت جنوب غربی صحن حیاط تالار گنبددار مجاور آن قرار دارد. برخی از طرح‌ها و نقوش آن نیز مانند سامرا، درون قاب‌های چهارگوش و یا شش‌گوش قرار دارند (منتشری، ۱۳۹۶). اشکال طوماری کاملاً مجرد و ساده‌سازی شده هستند و از هر کدام چهار یا شش شکل دیگر جدا و منشعب می‌شود که معمولاً مدور و حلزونی شکل هستند. در انتهای این نقوش فرم‌های نخلی شکل در انواع گوناگون وجود دارد؛

از جمله آن‌ها می‌توان به نیم‌برگ‌هایی با اسلوب ساسانی و نیم برگ‌های ساده بدون شکاف که بر روی یکدیگر قرار دارند و برگ‌های سه‌شکافه و ترکیب چند شکل برگ نخل اشاره کرد (دیماند، ۱۳۶۵: ۹۵).

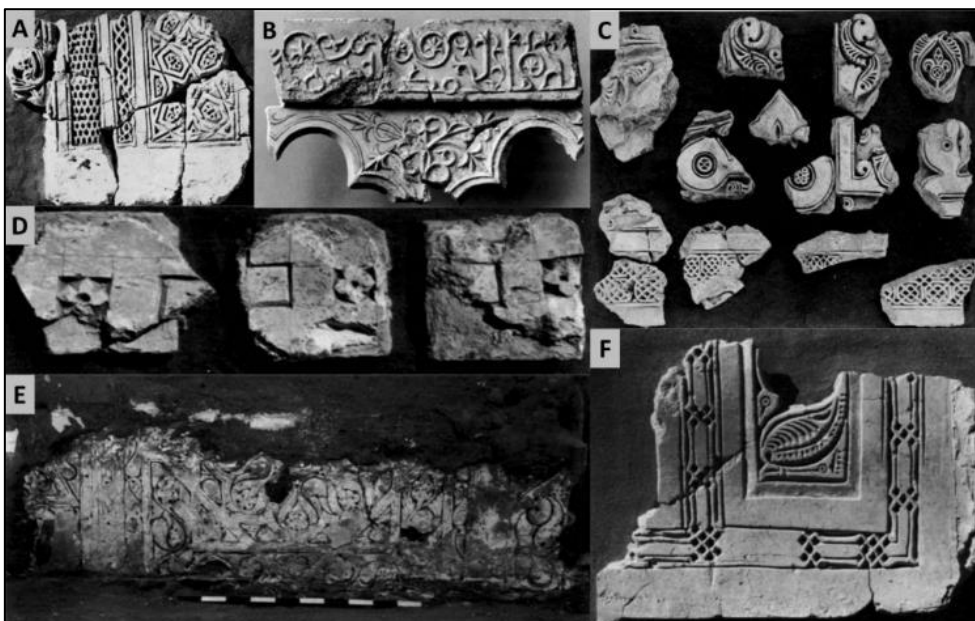


شکل ۳. محوطه‌های کاوش شده توسط هیئت موزه متروپولیتن: A تپه مدرسه، B تپه تاکستان، C تپه سبزپوشان، D قنات تپه (Wilkinson, 1986).

الف) تپه مدرسه: تپه مدرسه در حدود نیم کیلومتری شمال شرقی گنبد آرامگاه محمد محروق و محل دفن مجاور عمر خیام و تقریباً ۲ کیلومتری جنوب غربی تپه آلپ ارسلان، بزرگ‌ترین تپه در محوطه ویرانه‌ها، قرار دارد. تپه مدرسه چشمگیرترین بخش نیشابور باستانی است که توسط موزه متروپولیتن کاوش شد. شواهد حاکی از وجود آرایه‌های گچی خیلی زود در روزهای نخست کاوش آشکار شدند (Wilkinson, 1986: 47-54). در نتیجه این کاوش‌ها در تپه مدرسه، محراب‌های متعددی کشف گردیدند (شکل ۴). از جمله محرابی که در دیوار جنوب غربی قرار داشته است. پلان این محراب چهارگوش عمیقی است که در دامنه آن گچ‌بری انجام شده است. ویلکینسون این محراب را مشخص کننده چهره‌ای از معماری ایرانی در قرن سوم دوران اسلامی دانسته و نظیر آن را محراب مسجد بزرگ سامرا می‌داند. در کنار محراب بحث شده در این سایت، آرایه‌های گچی با روش‌های گوناگونی نیز یافت شدند که بخشی از آن‌ها با نقوش برجسته و گل‌هایی به شکل قالبی اجرا شده مشابه سبک C سامرا هستند و برخی نیز مشابه سبک B سامرا به صورت طرح‌های طوماری و برگ‌نخلی درون قاب‌های هندسی چهارگوش و شش‌گوش قرار دارند (شکل ۵) (احمدی و شکفته، ۱۳۹۰). باتوجه به لایه‌های مختلف اجرا شده در این محوطه می‌توان تضاد چشمگیری بین سبک‌ها در لایه‌ها را مشاهده نمود. فرم‌های ساده برگ و نخل‌های بادبزی در طرح‌های اولیه بر روی پیچک‌هایی چیده شده‌اند که تمایل به تشکیل دایره دارند. این درحالی است که آرایه‌های گچی در لایه‌های بالایی در مقایسه، ساده و بی‌روح به نظر رسیده و فرم‌های قراردادی‌تر، هندسی‌تر و بسته‌تری را به نمایش می‌گذارند (Wilkinson, 1986: 122).

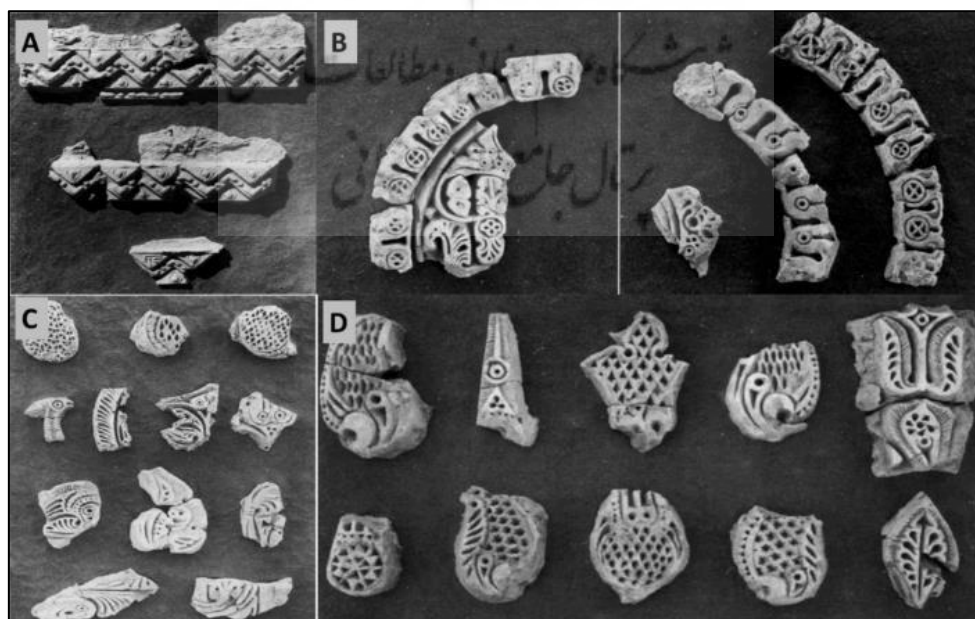


شکل ۴. آرایه‌های گچی یافت شده در کاوش‌های تپه مدرسه: A محراب گچی، B و C آرایه گچی برهشته پس از کاوش و پس از مرمت، D قرنیز گچی برجسته (Wilkinson, 1986).

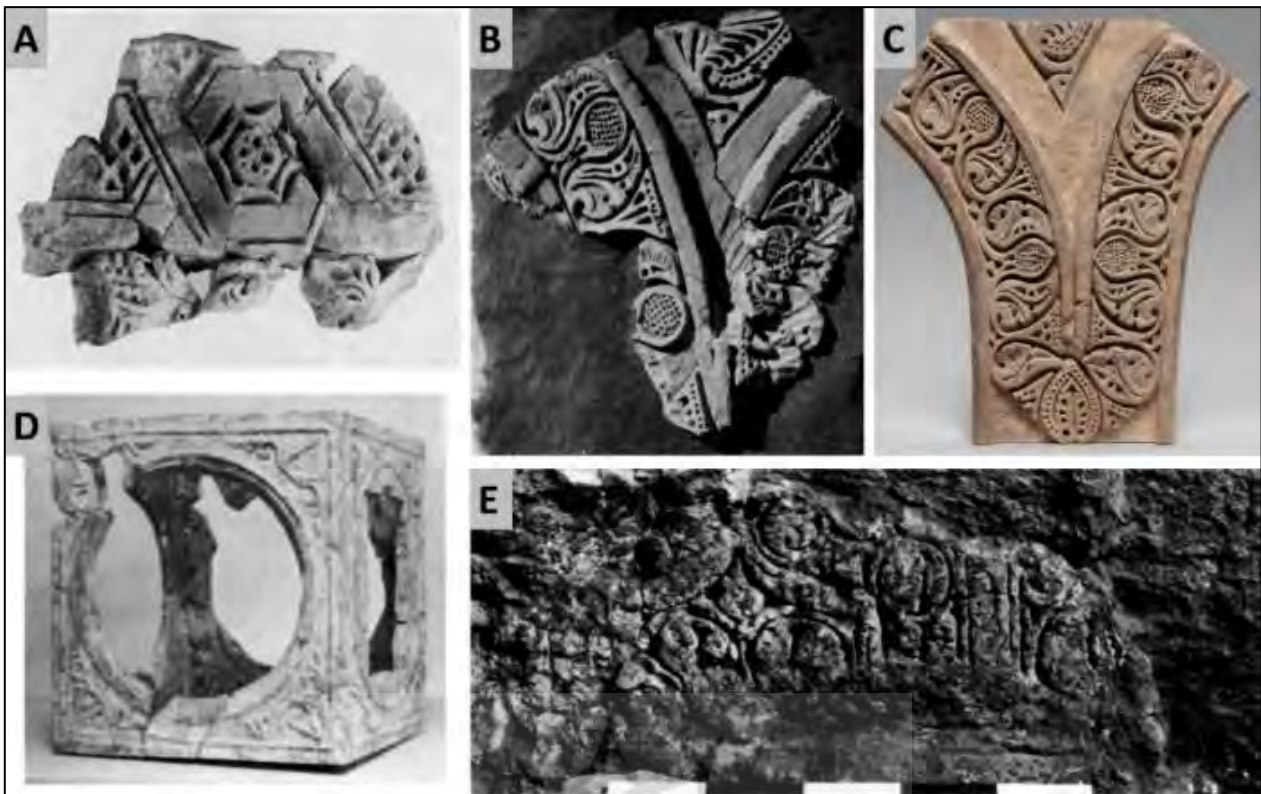


شکل ۵. آرایه‌های گچی یافت شده در کاوش‌های تپه مدرسه: A آرایه گچی برجسته با نقش مایه هندسی، B قاب پنجره گچی با نقوش مهری، C قطعات گچی بخش‌هایی از کتیبه نوشتاری به خط کوفی، D آرایه گچی شبه کلوک‌بند با نقش مایه گل چهار پر و پنج پر، E باقی‌مانده ازاره گچی برجسته در محل کاوش، F بخشی از ازاره گچی با نقش مایه گیاهی (Wilkinson, 1986).

ب) تپه تاکستان: در تپه تاکستان تنها بخشی از آنچه که مجموعه‌ای از ساختمان‌ها بود، کاوش شد. این ساختمان‌ها شباهت قابل توجهی به ساختارهای کاخی در تپه مدرسه داشته و بسیار باشکوه‌تر از سبزپوشان هستند. هرچند بلایای طبیعی، حفاری غیر مجاز و کشاورزی، همگی تقریباً آرایه‌های گچی این محوطه را نابود کرده بودند، خوشبختانه، قطعاتی که از دیوارهای تاکستان فرو ریخته بودند، در وضعیت بهتری قرار داشتند. برخی از قطعاتی که از یافته‌های تعدادی از اتاق‌ها به هم چسبانده شدند، روشن ساختند که ازاره‌های آنجا نوارهای دایره‌ای از انواع مختلف فرم‌های لاله‌شکل را در بر می‌گرفتند که با برگ‌های مو، چهارپرها و برگ نخل که نوکشان به چیزی که فقط می‌توان آن را سر پرندگان تشبیه کرد خم می‌شوند، تزئین شده بودند (شکل‌های ۶ و ۷). این نقش‌ها شباهت زیادی به نقش‌های استفاده شده در لایه‌های پایین‌تر تپه مدرسه دارند (Wilkinson, 1986: 187). یکی از جالب‌توجه‌ترین یافته‌های این محوطه فانوس گچی است که به‌صورت مهری و قالبی تزئین شده است. (195-193, 198)



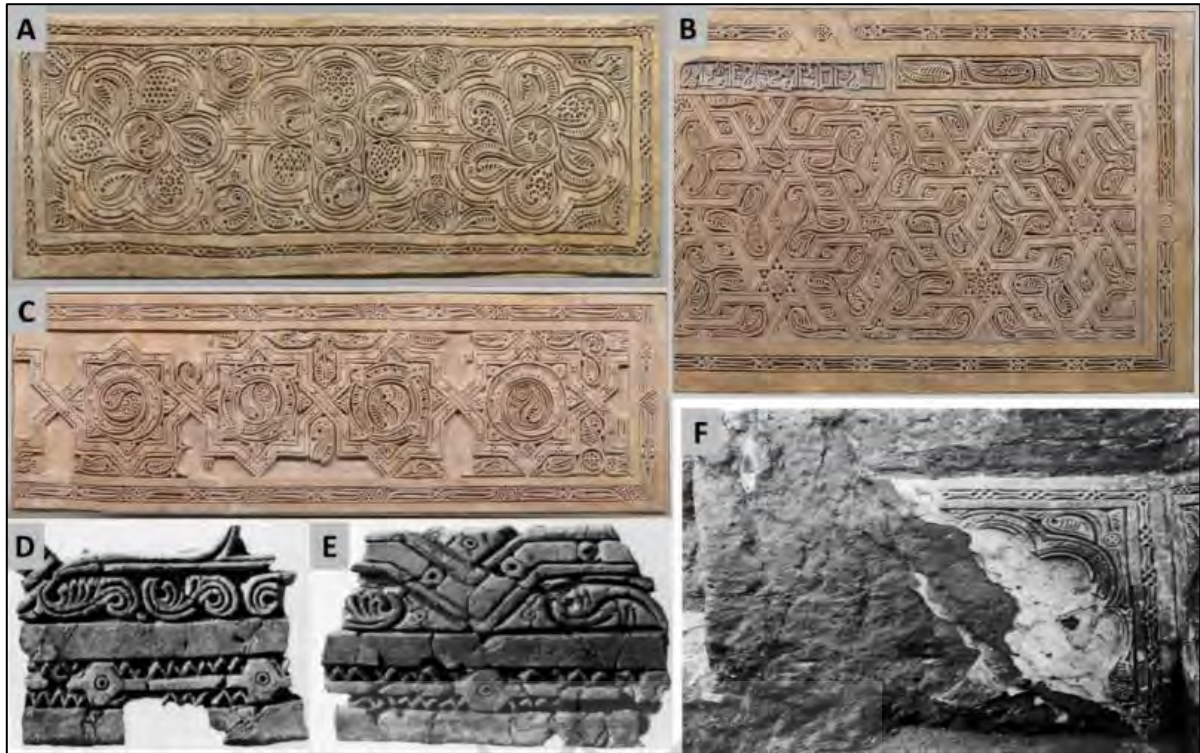
شکل ۶. آرایه‌های گچی یافت شده از تپه تاکستان: A آرایه گچی قالبی با نقش مایه هندسی، B-C-D آرایه‌های گچی با نقش مایه گیاهی، جانوری (سر پرنده) (Wilkinson, 1986).



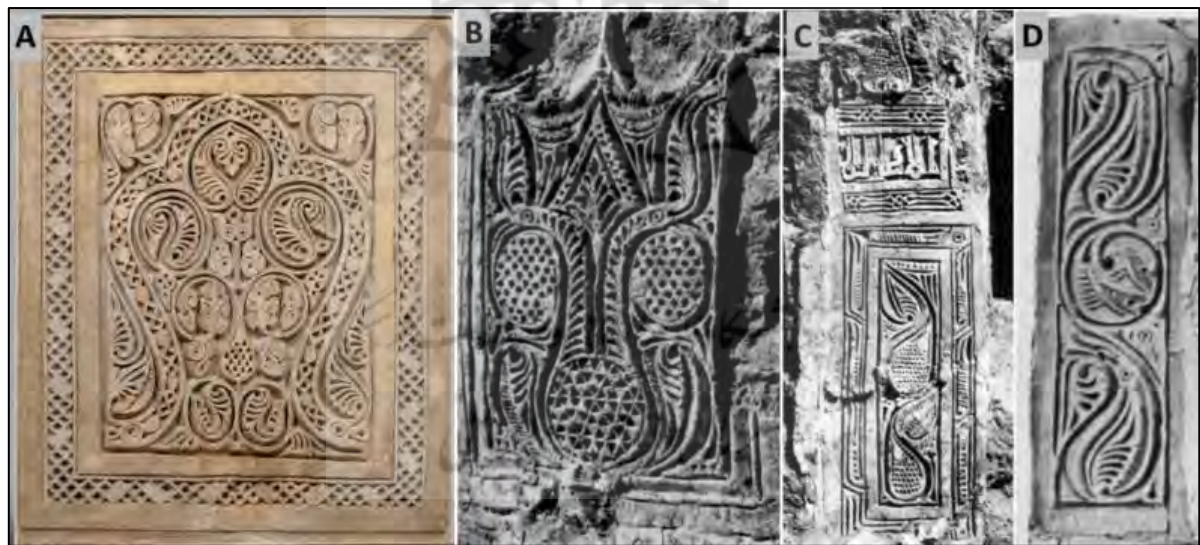
شکل ۷. آرایه‌های گچی یافت شده در تپه تاکستان: A آرایه گچی برجسته با نقش مایه هندسی، B و C آرایه گچی برجسته با نقش مایه گیاهی پس از کاوش و پس از مرمت، D فانوس گچی با تزئین قالبی و مهری، E آزاره گچی باقی مانده بر دیوار محوطه (Wilkinson, 1986).

پ) تپه سبزیپوشان: ساختمان تپه سبزیپوشان به چهار بخش تقسیم می‌شود که پهلوی یکدیگر قرار گرفته و از شمال به جنوب ممتد است. سه قسمت از آن که در طرف شمال واقع شده، به وسیله دیوار از یکدیگر جدا می‌شود. چهارمی نیز که در سمت جنوب قرار دارد به واسطه کوچه و یا خیابانی باریک از باقی جدا شده است. در اطراف این ساختمان‌ها اتاق‌های کوچکی دیده می‌شود و خانه‌هایی که این اتاق‌ها متعلق به آن‌ها هستند. هر چهار دسته به جز ایوان و اتاق‌های بزرگ که آرایه گچی داشتند خانه‌های شخصی و مسکونی بوده‌اند (حفریات نیشابور، ۱۳۱۸). کامل‌ترین آرایه‌های گچی کاوش شده توسط هیئت موزه متروپولیتن متعلق به همین تپه است که شامل آرایه‌های دیواری زیبایی هستند (شکل‌های ۸ و ۹). بر روی این آرایه‌های گچی اثر رنگ نیز دیده می‌شود که سفید، زرد، آبی و سرخ هستند. این آرایه‌های گچی طرح‌های زیبای طوماری و برگ نخلی دارند و بعضی از آن‌ها درون شکل‌های چهارگوش و یا شش‌گوش (مانند تزئینات سامرا) قرار دارند. طرح و نقش این آرایه‌ها شیوه و اساس ترسیم اشکال حیوانی و جانوری در صنایع هنری دوران اسلامی را آشکار می‌سازد. در برخی از بخش‌ها، شکل سر پرند دیده می‌شود که برگ نخلی را به منقار گرفته است. مشابه این نقش را در ظروف فلزی دوران ساسانی می‌توان مشاهده کرد (انصاری، ۱۳۶۵).

اولین کاوش در محلی انجام شد که حفاری غیرمجاز یک قاب تزئینی مستطیل شکل کامل با ابعاد ۹۵×۲۴۰ سانتی‌متر را نمایان کرده بود. این قاب چندرنگ با سایه روشن‌های سفید درخشان و حاشیه‌هایی به رنگ زرد اخرا است که نمونه اصلی آن هم‌اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک قرار دارد (شکل ۸-۸) (Wilkinson, 1986: 211-212). والتر هاووزر باستان‌شناس عضو هیئت کاوش موزه متروپولیتن نیویورک در مقاله خود با نام «آزاره گچی سبزیپوشان» به فن ساخت و تعداد لایه‌های استفاده شده در این آرایه‌های گچی می‌پردازد و گزارش می‌کند در شالوده دیوارهای خشتی این تپه از یک ردیف آجر پخته استفاده کرده‌اند و سطح دیوار را با یک لایه نیم سانتی‌متری از کاهگل پوشانده‌اند. سپس چندین لایه نازک گچ در ضخامت یک میلی‌متر بر روی آن اجرا کرده‌اند که در برخی دیوارها تعداد این لایه‌ها به پنج عدد می‌رسیده است. سطح هریک از این لایه‌ها به خوبی صاف و یکدست می‌شده و تنها پس از خشک شدن کامل آن، لایه بعدی را اجرا می‌کرده‌اند و در نهایت بر روی تمام این لایه‌های نازک، لایه‌ای با ضخامت حدود دو سانتی‌متر کشیده می‌شد تا عمل گچ‌بری بر روی آن انجام گیرد. به نظر می‌رسد هنرمندان آن دوران تنها به قدرت چسبانندگی گچ برای اتصال لایه‌ها به یکدیگر تکیه کرده‌اند زیرا بر روی لایه‌های نازک گچ هیچ اثری از زخمی کردن مشاهده نمی‌شود (Hauser, 1936).

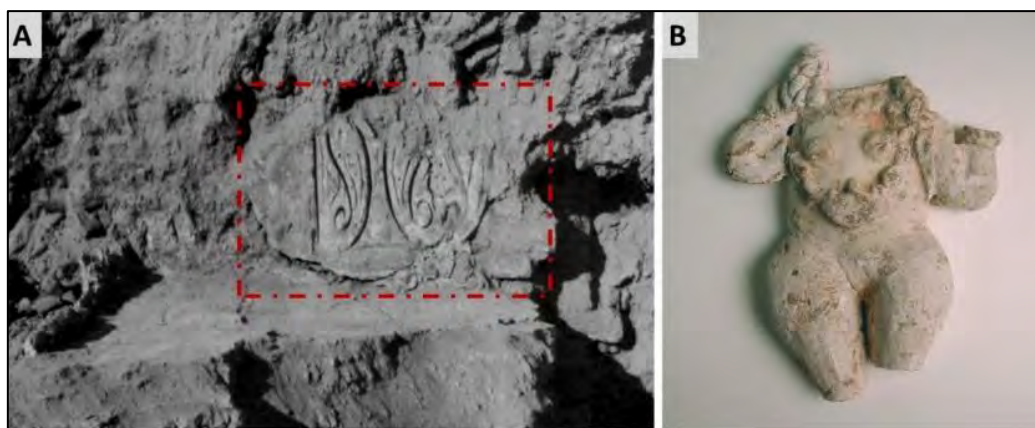


شکل ۸. آرایه‌های گچی یافت شده از تپه سبزپوشان: C-B-A ازاره‌های گچی برجسته پس از مرمت، E-D قطعات گچی برجسته با نقوش گیاهی و هندسی، F ازاره گچی باقی مانده بر دیوار محوطه (Wilkinson, 1986).



شکل ۹. آرایه‌های گچی یافت شده از تپه سبزپوشان: B-A ازاره‌های گچی برجسته با نقش‌مایه گیاهی و هندسی، C-D آرایه‌های گچی برجسته با نقش‌مایه گیاهی و کنیبه نوشتاری (Wilkinson 1986).

ت) قنات تپه: مانند تپه سبزپوشان، یک یافته اتفاقی هیئت موزه را متقاعد به کاوش در این تپه کرد. یک کشاورز محلی که زمینش مجاور قنات تپه قرار داشت، یک بلوک گچ لایه‌لایه را در زمین خود پیدا کرد که هر لایه آن، اگرچه محکم به لایه بعدی چسبیده بود، به نظر می‌رسید با طرح‌های رنگی نقاشی شده است. بدین ترتیب کاوش‌های تپه، واقع در جنوب غربی تپه آلپ ارسلان آغاز شد (Wilkinson, 1986: 259). در کل قنات تپه، تنها یک نمونه آرایه گچی یافت شد. این قطعه در لبه شمالی تپه، در سطح بالایی نزدیک منطقه AA3، قطعه‌ای از ازاره گچ‌بری شده با طرح یک نیمه برگ نخل منحنی و بخشی از یک طرح دایره‌ای است که در محل خود در پایین یک دیوار ویران شده قرار داشت. به‌واسطه ساییدگی زیاد سطح مقدار اندکی از نقش‌مایه بر سطح آرایه باقی مانده است. از منطقه AA2 نیز یک پیکره گچی کوچک نیمه برهنه یک زن بدون سر، رنگ‌آمیزی شده به‌صورت چندرنگ، یافت شد. این پیکره گردنبندی با یک زیور قالب‌گیری شده در مرکز آن به تن دارد (شکل ۱۰).



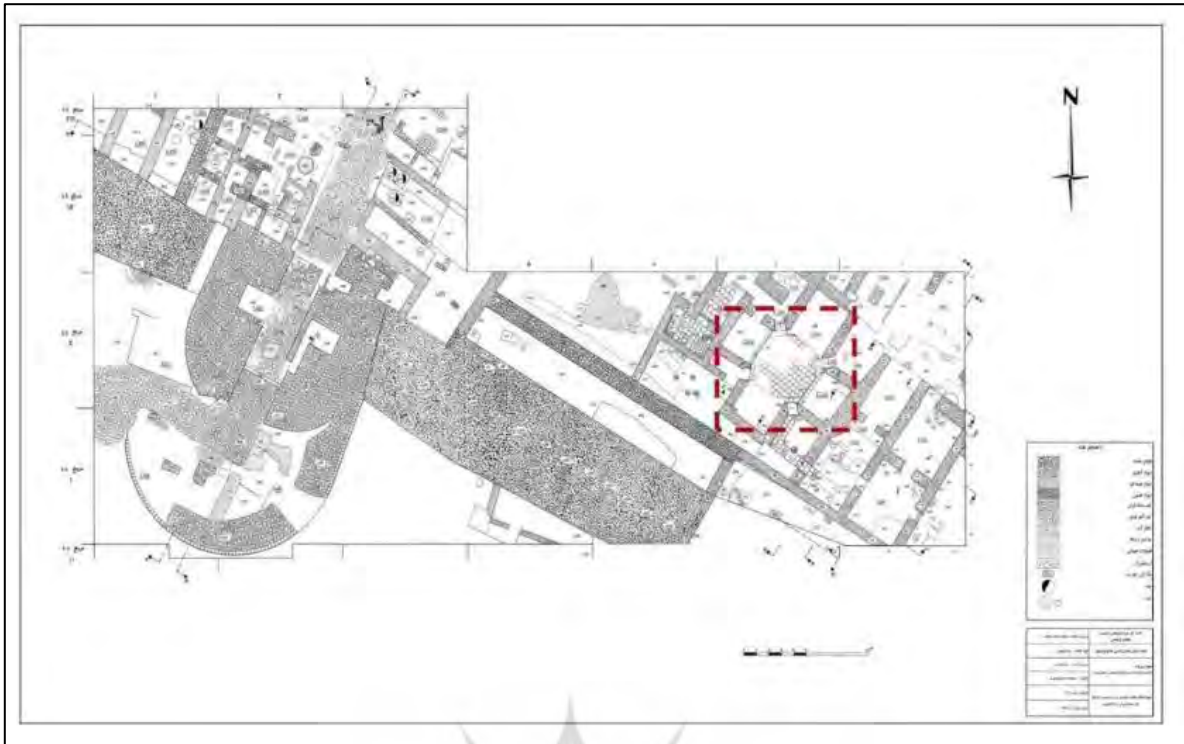
شکل ۱۰. آرایه‌های گچی یافت شده از قنات تپه: A ازاره گچی یافت شده در محوطه، B پیکرک نیمه برهنه زن (Wilkinson, 1986).

۳-۴ شادیاخ: شادیاخ نیشابور باغ و قصری بوده که عبدالله بن طاهر در اوایل قرن سوم هجری ساخت و لشکریانش را در اطراف آن در منازلی اسکان داد (شکل ۱۱). این محل به تدریج جای بزرگی شد و بعد از حمله غزها و خرابی و غارت و قتل عام، مردم و اهالی نیشابور به شادیاخ که محله‌ای در نزدیکی شهر بود کوچ کردند. موید که یکی از غلامان سلطان سنجر بود بارو و حصار اطراف شادیاخ برپا کرد و به آبادانی بیشتری پرداخت. بدین ترتیب نیشابور بعد از حمله غز در محله شادیاخ از نو برپا شد و در پی نوسازی شهر پیشین نیشابور، محلات قدیمی نیز شکل آبادتری به خود گرفتند و شادیاخ و نیشابور قدیم به یکدیگر وصل شدند (مولوی، ۱۳۵۵: ۱۱۴). در کتاب تاریخ نیشابور، تألیف الحاکم ابوعبدالله محمدبن عبدالله آمده است بازماندگان آخرین زلزله سهمگین نیشابور به محله شادیاخ پناه برده و شهری در آنجا بنا کردند که بعدها تبدیل به محل زندگی بزرگان و صاحبان کرامات آن روزگار شد (کریمی، ۱۳۳۹: ۱۴۶).

بر اساس گفته‌های ابولفداء شادیاخ نام دیگر نیشابور بوده است. متأسفانه امروزه اثری از آن باقی نیست اما آرامگاه بزرگ عرفای ایران، فریدالدین عطار نیشابوری، در جنوب شرقی نیشابور امروزی، دقیقاً در همان مکانی واقع است که در گذشته به نام شادیاخ شناخته می‌شد (گرایلی، ۱۳۷۴: ۱۰-۹). در برگزیده مشترک یاقوت حموی ترجمه محمد پروین گنابادی آمده که شادیاخ، «شادیاخ»، به دو منطقه اطلاق می‌شده است. اول نام باغی متعلق به عبدالله پسر طاهر واقع در نیشابور بوده که در ادامه به جایگاه «امیران نیشابور» تبدیل شد و پس از حمله غزها و ویرانی‌های بسیار، شهر به آنجا (شادیاخ) انتقال یافت و دیگری دهکده‌ای واقع در بلخ است (حموی، ۱۳۴۷: ۱۲۰). از آنجایی که ابوالفضل بیهقی در کتاب شاخص خود، از شادیاخ به نام «باغ شادیاخ حسنی» یاد کرده است، احتمالاً حسنی وزیر (وزیر سلطان محمود غزنوی) نقش بسزایی در ساخت آن ایفا کرده است (شکل ۱۲) (قیومی‌بیدهندی، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

شادیاخ مرکز ایالت نیشابور است. تکش خان خوارزمشاه در سال ۱۱۸۹ میلادی، شادیاخ را محاصره کرد و به استناد گفته حمدالله قزوینی در سال ۱۲۰۸ میلادی زلزله وحشتناکی تمام شهر را تخریب کرد. عجیب است یاقوت حموی که در سال ۱۲۱۶ میلادی از این منطقه دیدن کرده و در شادیاخ سکونت گزیده، ذکری از تخریب شهر در هشت سال قبل نمی‌کند. پس احتمال تمام شهر در ۱۲۰۸ میلادی تخریب نشده زیرا پس از یورش مغولان در ۱۲۲۱ میلادی، این شهر مقاومت عظیمی را بروز داد و در حقیقت پس از سه تهاجم تسخیر شد (کارکنان وزارت جنگ انگلستان، ۱۳۸۰: ۱۰۵۶). در قرن بیست میلادی شادیاخ به محدوده‌ای «بزرگ و ویران» اطلاق می‌شود که تا غرب آرامگاه امامزاده محروق و خیام ادامه دارد. سایکس نیز در کتاب خود به این محدوده اشاره کرده است و با استدلال‌های محکم می‌توان ادعان داشت که شادیاخ نام بخشی واقع در شرق این محدوده است (Wilkinson, 1986: 24).

شادیاخ با شماره ثبت ۱۰۹۱۰ در محله شادیاخ و در نزدیکی خیابان عرفان نیشابور و مجاورت آرامگاه عطار نیشابوری و کمال‌الملک قرار دارد. این محوطه از بخش‌های گوناگونی همچون کارگاه عصاره‌گیری انگور، کارگاه آهن‌گری، سفالگری و شیشه‌گری، سیاه‌چال، اسطبل، مطبخ، انبار و غیره تشکیل شده است. باتوجه به گزارش کاوش فصل چهارم این محوطه (لباف خانیکی و بختیاری شهری، ۱۳۸۲) یکی از مهم‌ترین بخش‌های این سایت تاریخی به نام تالار بار عام شناخته می‌شود. این تالار مشتمل بر چهار ایوان مشرف بر یک فضای هشت ضلعی در وسط است که چهارگوشه و از طریق چهار درگاهی به فضاهای مجاور راه می‌یافته است. ایوان‌ها در جهات فرعی جغرافیایی ساخته شده‌اند. ایوان‌های شمال شرقی و جنوب غربی که قرینه یکدیگرند از ابعاد همسان برخوردارند. طول آن‌ها ۳/۳۰ متر و ۲/۸۵ متر است. ایوان شمال غربی هم در دوره بعد با دیوار تیغه‌ای و آرایه‌های گچی تغییر وضعیت داده و دارای ابعاد ۲/۸۵ و ۳/۱۰ متر است. ایوان شمال شرقی همانند ایوان شمال غربی است با این تفاوت که کف ایوان شمال غربی کمتر از یک متر بالاتر از کف عمومی تالار ساخته شده و در مقابل آن مشرف بر صحن تالار معجری مزین به آرایه گچی و کتیبه ایجاد گردیده درحالی که ایوان شمال شرقی ساده و کف آن هم سطح صحن تالار است. مصالح دیوارهای تشکیل دهنده تالار همگی چینه‌ای است و ضخامت دیوارها بین ۷۰ تا ۹۰ سانتی‌متر است (شکل ۱۳).



شکل ۱۱. پلان محوطه شادیاخ؛ محل یافت آرایه‌های گچی با کادر قرمز رنگ مشخص شده است (آرشیو میراث فرهنگی خراسان رضوی)



شکل ۱۲. محوطه باستان‌شناختی شادیاخ؛ A-B-C فضای محوطه شادیاخ، D تالار بار عام (عکاس: خاکسار، ۱۴۰۰).

آثار و شواهد حاکی از آن است که فضای صلیبی شکل در دو دوره دو کاربری متفاوت داشته است. این فضا احتمالاً سربینه حمام بوده و بعدها به یک عمارت یا کاخ تبدیل شده است. در دوره اول ابتدا سطح دیواره ایوان را با اندود خاص خاکستری رنگ پوشانیده‌اند و آنگاه سطح دیوارها را با ساروج اندود کرده‌اند. در دوره بعد که این فضای صلیبی شکل را به شکل مسکونی استفاده کرده‌اند روی همین اندودها را با لایه بسیار نازک گچ پوشانده‌اند. اندود رویه دیوارها ترکیبی از گچ و آهک است و حالتی شکننده و ترد دارد. مهم‌ترین تغییر در معماری دوره متأخر، ایجاد معجر گچی در مقابل ایوان شمال غربی و اجرای آرایه‌های گچی در ورودی‌های جنوبی و غربی و تغییر کاربری گرمخانه حمام به دو اتاق انباری و احتمالاً مطبخ است. دیوارهای ایوان شمال غربی خشت و گل و دارای اندودی از گچ بر روی ساروج است. کف نیز لایه‌ای از گچ است که دست کم شش بار مرمت شده است. مهم‌ترین پدیده معماری این فضا آرایه‌های گچی است که از عمق ۱۱۰ سانتی‌متر شروع شده و تا کف ادامه دارد. این آرایه‌های گچی در قطعات متفاوت و متعدد بزرگ و کوچک بر اثر تخریب و حفاری‌های غیرمجاز بر روی هم انباشته شده‌اند. در بین قطعات آرایه‌های گچی که پراکنش آن‌ها در نزدیکی کف بسیار زیاد می‌شود، قطعاتی رنگ‌آمیزی شده با رنگ قرمز وجود دارند. بسیاری از این قطعات گچی در میان آوار قرار داشتند و یک نمونه نصب شده بر روی آجر در عمق ۲۱۵ سانتی‌متر به دست آمد. این ایوان به سه ایوان دیگر مشرف به تالار بار عام متفاوت است و تفاوت آن در این است که پس از تغییر کاربری تالار، کف آن ایوان حدود ۳۰ سانتی‌متر نسبت به کف عمومی تالار بلندتر در نظر گرفته شده و در جلو ایوان با آجرچینی به طریق تیغه معجری به ارتفاع حدود ۱ متر احداث گردیده و نمای آن با آرایه‌های گچی و کتیبه تزئین شده است (شکل ۱۴).

آرایه‌های گچی از حیث تزئین در این قسمت مشتمل بر قطعاتی با نقوش آژده‌کاری شده (لانه‌زنبوری)، هندسی، اسلیمی و کتیبه بودند. به‌علاوه قطعات سفال و آرایه‌های گچی، چند عدد میخ آهنی نیز در نقاط مختلف این فضای معماری به دست آمد که ظاهراً به‌منظور افزایش استحکام بخشی آرایه‌های گچی استفاده شده‌اند چراکه هنوز شواهد این امر بر روی معجر گچی مشاهده است. در ایوان شمال شرقی نیز در عمق ۲۲۰ سانتی‌متر و به فاصله ۵۰ سانتی‌متر از ضلع شمال غربی ایوان، نقش برجسته گچی به حالت افتاده یافت شد که مربوط به صحنه‌ای تشریفاتی است مشتمل بر نقش مردی که به‌صورت چهارزانو نشسته است. در بخشی از آن اثری از رنگ قرمز متعلق به زمینه به چشم می‌خورد. در ایوان جنوب شرقی، از عمق ۱۴۰ سانتی‌متر پراکنش قطعات گچی افزایش یافته و تعداد زیادی از آن‌ها به دست آمد. بر روی این آرایه‌های گچی آثار رنگ اخراپی مشاهده شد. در عمق ۱۶۰ تا ۱۹۰ سانتی‌متر نیز قطعات گچی برجسته از جمله قطعه‌ای دارای چین‌خوردگی، پای یک انسان و یک نیم‌تنه انسانی به دست آمد. در ایوان جنوب غربی نیز قطعات گچی به دست آمد که اولین آن‌ها از عمق ۱۲۰ تا ۱۴۰ سانتی‌متر و دارای نقش‌مایه اسلیمی بود. یکی از مهم‌ترین یافته‌ها در این تالار بخشی از یک پیکره انسانی، D آرایه‌های گچی برجسته با نقش‌مایه‌های گیاهی و کتیبه نوشتاری (عکاس: خاکسار، ۱۴۰۰).



شکل ۱۳. آرایه‌های گچی یافت شده از محوطه باستان‌شناختی شادیاخ: A نمایی از تالار بار عام و انباشت آرایه‌های گچی در کف تالار، B آرایه گچی شبه کلوک‌بند، C آرایه گچی برجسته همراه با بخشی از پیکره انسانی، D آرایه‌های گچی برجسته با نقش‌مایه‌های گیاهی و کتیبه نوشتاری (عکاس: خاکسار، ۱۴۰۰)



شکل ۱۴. آرایه‌های گچی یافت شده در محوطه شادیاخ: A قاب گچی برجسته با نقوش گیاهی در کنار آرایه گچی شبه کلوک‌بند، B قاب گچی با نقش مایه گیاهی و هندسی، C قاب گچی با نقش مایه گیاهی، D بخشی از کتیبه گچی به خط ثلث، E بخشی از کتیبه گچی به خط کوفی (عکاس: خاکسار، ۱۴۰۰)



شکل ۱۵. سر پیکرک‌های گچی یافت شده در محوطه باستان‌شناختی شادیاخ (لباف‌خانیک، ۱۴۰۲)




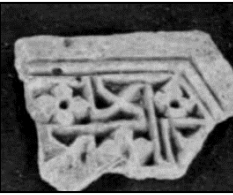
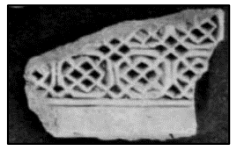
۵. تحلیل نقوش آرایه‌های گچی

نقش‌مایه‌های اجرا شده در آرایه‌های معماری عموماً به‌واسطه مضمون به شش گروه اصلی نقوش هندسی، نقوش گیاهی، کتیبه نوشتاری، موجودات افسانه‌ای، نقوش انسانی - حیوانی و اشیا تقسیم می‌شوند. این نقش‌مایه‌ها معمولاً به‌صورت مستقل و مجزا در کنار یکدیگر جلوه‌گر هستند و هنرمند آن‌ها را به روش تکرار، تقارن و اجرا متقابل در قالب یک نظام واحد به نمایش می‌گذارد. در این قالب، نقوش عمدتاً درون قاب‌بندهای هندسی اجرا شده و بعضاً به‌واسطه فواصل خالی درون زمینه از یکدیگر جدا می‌شوند تا در عین یکپارچگی تداخلی با یکدیگر نداشته باشند. در سده‌های اولیه دوران اسلامی به دلیل منع شمایل‌نگاری استفاده از نقوش گیاهی و هندسی در آرایه‌های معماری، به‌ویژه آرایه‌های گچی، کاربرد فراوان یافت. با این حال نمونه‌هایی از نقوش انسانی و حیوانی نیز در میان نقش‌مایه‌های استفاده شده در آرایه‌های معماری به چشم می‌خورد (مکی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۴؛ نجفیان











و همکاران، ۱۴۰۳). به‌طور کلی نقش‌مایه‌های آرایه‌های گچی یافت شده در محوطه‌های باستان‌شناختی نیشابور در چهار گروه نقوش هندسی، گیاهی، کتیبه نوشتاری، حیوانی-انسانی جای می‌گیرند که در اغلب موارد در تلفیق با یکدیگر اجرا شده‌اند.

نقوش هندسی در هر دو این محوطه‌ها شباهت قابل توجهی به یکدیگر دارند. استفاده از تقسیمات هندسی همچون مستطیل، شش‌ضلعی، مهر سلیمان و گره‌های هندسی همراه با حمیل‌کشی‌های پهن در متن آرایه‌ها از این نمونه‌های ارزشمند هستند. نقش‌مایه‌های هندسی در برخی قسمت‌ها در نقش چلیپای شکسته (مشابه نمونه قصر کیش و کاخ خربه‌المفجر) و آژده‌کاری‌های مثلثی شکل و لانه‌زنبوری بر زمینه آرایه و یا زمینه متن نقش اجرا شده‌اند. نقوش گیاهی استیلیزه شده نیز در میان نقش‌مایه‌های این آثار به چشم می‌خورند که در میان قاب‌های هندسی متن و یا قاب اطراف متن اصلی آرایه اجرا شده‌اند. عمده این نقوش شامل برگ مو و پیچک، برگ نخلی، گل‌های چهار پر و چند پر و برگ گل هستند. کتیبه نوشتاری نیز در هر دو محوطه یافت شده که در بیشتر بخش‌ها تکرار عبارت «ملک» بوده. عبارت «بسم‌الله الرحمن الرحیم» نیز در یکی از قاب‌ها به چشم می‌خورد. نمونه کتیبه‌های یافت شده عمدتاً به خط کوفی و مشجر و ثلث اجرا شده و انتهای حروف به شکل نقش‌مایه‌های گیاهی تزئین شده‌اند. کتیبه‌های نوشتاری غالباً با نقوش هندسی و یا گیاهی به‌عنوان تزئین کادر همراه هستند. نقوش انسانی و حیوانی نیز در هر دو محوطه یافت شده‌اند که تعدادشان در مقایسه با نقش‌مایه‌های هندسی و گیاهی کمتر است. از نکات جالب توجه، وجود پیکرک‌ها و سردیس‌های انسانی است، آن هم در زمانی که اجرای نقوش انسانی غدغن بوده. در آرایه‌های گچی سده‌های اولیه دوره اسلامی در ایران، نقوشی با موضوع انسانی به این صورت یافت نشده است که به این دلیل، به جز همه ارزش‌هایی که دارد، دارای ارزش ندرت نیز هست. از نظر شیوه اجرا، بیشتر آثار باقیمانده، به روش برش بستر گچی اجرا شده است. در کادربندی‌ها و حاشیه‌ها از شیواری استفاده شده و نمونه‌های اندکی نیز به شیوه قالبی اجرا شده است. ظرافت اجرای نقوش در برخی موارد بسیار بالا است (جدول ۱).

جدول ۱. طبقه‌بندی آرایه‌های گچی از نظر نقش و روش اجرا

موضوع نقش‌مایه	تصویر	محل کاوش	محل نگهداری	فن اجرا
هندسی		تپه سبزپوشان	موزه متروپولیتن	اجرای گره هندسی به شیوه شیواراندازی آژده‌کاری به روش برش بستر گچی
		تپه سبزپوشان	موزه متروپولیتن	اجرای قاب‌بندی به شیوه شیواراندازی آژده‌کاری به روش برش بستر گچی
		تپه سبزپوشان	موزه متروپولیتن	اجرای گره ساده به شیوه شیواراندازی آژده‌کاری به روش برش بستر گچی
		تپه مدرسه	موزه متروپولیتن	اجرای قاب‌بندی به شیوه شیواراندازی اجرای تقسیم‌بندی مربع و چلیپای شکسته به روش برش بستر گچی
		تپه مدرسه	موزه متروپولیتن (?)	اجرای گره هندسی ساده به روش برش بستر گچی

نقش کنگره‌ای آرایه گچی قالبی مهری	تپه مدرسه موزه متروپولیتن (?)		
اجرای گره هندسی به شیوه شیاراندازی اجرای نقوش داخلی به روش برش بستر گچی	تپه مدرسه موزه متروپولیتن (?)		
اجرای گره هندسی به شیوه شیاراندازی اجرای نقوش داخلی به روش برش بستر گچی	تپه تاکستان موزه متروپولیتن (?)		
آرایه گچی شبه کلوک‌بند اجرا به روش برش بستر گچی	شادیخ محوطه شادیخ		
اجرای گره ساده به شیوه شیاراندازی آزده‌کاری به روش برش بستر گچی	شادیخ محوطه شادیخ		
اجرای گره ساده به روش برش بستر گچی	شادیخ محوطه شادیخ		
نقوش گیاهی از جمله اسلیمی، بته‌جقه، برگ کنگر، نیلوفر، برگ ساده و غنچه اجرا به روش برش بستر گچی	تپه سبزپوشان موزه متروپولیتن		گیاهی
نقوش گیاهی از جمله اسلیمی اجرا به روش برش بستر گچی	تپه سبزپوشان موزه بزرگ خراسان		
نقوش گیاهی از جمله اسلیمی، بته‌جقه، برگ کنگر، نیلوفر، برگ ساده و غنچه اجرا به روش برش بستر گچی. گل شش‌پر به شیوه شیاراندازی	تپه سبزپوشان موزه متروپولیتن		

نقوش گیاهی از جمله اسلیمی، نیلوفر و غنچه اجرا به روش برش بستر گچی	تپه تاکستان موزه متروپولیتن (؟)		
نقوش گیاهی انتزاعی داخل کادری به شکل قوس اجرا به روش برش بستر گچی	تپه تاکستان موزه متروپولیتن		
نقوش گیاهی از جمله اسلیمی، نیلوفر و غنچه اجرا به روش برش بستر گچی	تپه مدرسه موزه متروپولیتن (؟)		
نقوش گیاهی انتزاعی داخل اجرا به روش برش بستر گچی	تپه مدرسه موزه متروپولیتن (؟)		
نقوش گیاهی انتزاعی اجرا به روش برش بستر گچی در سه سطح (احتمالاً با یکبار طرح اندازی)	تپه مدرسه موزه متروپولیتن		
نقوش اسلیمی ساده اجرا به روش برش بستر گچی	شادیاخ محوطه شادیاخ		
آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری اجرا به روش برش بستر گچی و شیاراندازی	تپه مدرسه موزه متروپولیتن (؟)		کتیبه نوشتاری
آرایه گچی قالبی (احتمالاً شیوه مهری) کتیبه نوشتاری کم برجسته	تپه مدرسه موزه متروپولیتن		
آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری، زمینه ساده اجرا به روش برش بستر گچی	تپه سبزپوشان موزه متروپولیتن		
آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری اجرا به روش برش بستر گچی	تپه سبزپوشان موزه متروپولیتن		

آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری، زمینه ساده اجرا به روش برش بستر گچی	محوطه شادیاخ	شادیاخ		
آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری اجرا به روش برش بستر گچی	سوله محوطه شادیاخ	شادیاخ		
آرایه گچی برجسته با موضوع کتیبه نوشتاری اجرا به روش برش بستر گچی	سوله محوطه شادیاخ	شادیاخ		
آرایه گچی برجسته با موضوع نقوش جانوری اجرا به روش برش بستر گچی	موزه متروپولیتن	تپه سبزپوشان		انسانی - حیوانی
آرایه گچی برجسته با موضوع نقوش جانوری اجرا به روش برش بستر گچی	موزه متروپولیتن (?)	تپه تاکستان		
آرایه گچی برهشته با موضوع سر انسان اجرا به روش برش بستر گچی، اجرای ملاط در سه مرحله	موزه بزرگ خراسان	شادیاخ		
آرایه گچی برهشته با موضوع پیکرک انسانی اجرا به روش قالبی، سپس تراش و پرداخت نهایی	موزه متروپولیتن	قنات تپه		

۶. نتیجه‌گیری

مطالعه آرایه‌های گچی محوطه‌های باستان‌شناختی نیشابور در سده‌های اولیه اسلام، دریچه‌ای ارزشمند به سوی درک هنر، فرهنگ و تاریخ این شهر مهم در دوره اسلامی می‌گشاید. این آرایه‌ها که در محوطه‌هایی چون شهر قدیم نیشابور (شامل تپه‌های مدرسه، سبزپوشان، تاکستان و قنات تپه) و شادیاخ کشف شده‌اند، نه تنها نمایانگر ذوق هنری و مهارت فنی استادکاران آن دوران هستند، بلکه اطلاعات مهمی در مورد تحولات تاریخی، ارتباطات فرهنگی و باورهای مردمان آن زمان ارائه می‌دهند. تنوع نقوش به کار رفته در این آرایه‌ها، شامل نقوش هندسی، گیاهی، کتیبه‌های نوشتاری و نقوش انسانی - حیوانی، نشان‌دهنده غنای فرهنگی و هنری نیشابور در آن دوره است. نقوش هندسی با تنوعی چون مستطیلی، شش ضلعی، مهر سلیمان و گره‌های هندسی، در کنار نقوش گیاهی شامل برگ مو، پیچک، برگ نخلی و گل‌های چند پر، زیبایی و ظرافت خاصی به این آثار بخشیده‌اند. کتیبه‌های نوشتاری به خط کوفی و ثلث، اغلب با مضامین مذهبی یا عباراتی چون «ملک»، جنبه دیگری از هویت فرهنگی و اعتقادی این جامعه را به نمایش می‌گذارند. نقوش انسانی و حیوانی، اگرچه کمتر رایج هستند، اما اطلاعات ارزشمندی در مورد نگرش‌ها و باورهای مردمان آن دوره ارائه می‌دهند.

اجرای نقوش انسانی در آن دوره زمانی، از اتفاقات بسیار ویژه است که نیازمند مطالعات دقیق اجتماعی، سیاسی و مذهبی است. روش‌های به کار رفته در ساخت این آرایه‌ها، از جمله برش بستر گچی و قالبی و رنگ‌آمیزی آن‌ها نشان‌دهنده مهارت بالای استادکاران و توجه آن‌ها به جزئیات است. رنگ‌های به کار رفته در این آرایه‌ها، شامل سفید، زرد، آبی، قرمز و سیاه، به زیبایی و جذابیت بصری این آثار افزوده‌اند. مطالعه تطبیقی این آرایه‌ها با نمونه‌های مشابه در سایر مناطق تحت سیطره اسلام، مانند سامرا و نائین، نشان‌دهنده ارتباطات فرهنگی و هنری گسترده نیشابور در آن دوره است. با این حال، آرایه‌های گچی نیشابور دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که نشان‌دهنده هویت مستقل هنری این شهر است و گنجینه‌ای ارزشمند از هنر و فرهنگ ایران در دوره استیلای اعراب هستند. بدین ترتیب مطالعه و حفاظت از این آثار، نقش مهمی در درک بهتر تاریخ و هویت فرهنگی این منطقه و همچنین تاریخ هنر ایران در دوران اسلامی ایفا می‌نماید. همچنین با توجه به اهمیت موضوع تداوم پژوهش‌ها و تلاش‌های حفاظتی برای این آثار ارزشمند، برای نسل‌های آینده ضروری است.

سپاسگزاری

نگارندگان از کارکنان محترم دانشگاه هنر اسلامی تبریز، موزه بزرگ خراسان و پایگاه محوطه باستان‌شناختی شادیاخ سپاسگزاری می‌کنند.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول مسئولیت مفهوم‌پردازی، روش‌شناسی، تحلیل رسمی و نگارش را بر عهده داشت و نویسنده دوم مسئول اعتبارسنجی، نگارش، بازبینی و ویرایش و سرپرستی بود.

حمایت مالی و معنوی

این پژوهش بدون دریافت حمایت مالی یا معنوی انجام شده است.

تعارض نویسندگان

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی را گزارش نمی‌کنند.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های خام نزد نویسندگان موجود است و با مکاتبه قابل دسترسی خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. مصاحبه با جناب آقای دکتر میثم لیاف‌خانیکی از طریق ایمیل انجام شده است.

منابع

احمدی، حسین، و شکفته، عاطفه. (۱۳۹۰). تزئینات گچ‌بری در معماری قرون اولیه اسلامی ایران (قرن اول تا پنجم ه.ق). *ادبیات و هنر دینی* (۴)،

<https://www.researchgate.net/profile/Atefe-Shekofta/publication/259192671>. ۱۲۵-۱۵۰

البلاذری، احمد بن یحیی (بی‌تا). *فتوح البلدان: بخش مربوط به ایران*. ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش، چاپ دوم. ویراسته محمد فرزاد. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

انصاری، جمال. (۱۳۶۵). گچ‌بری دوران ساسانی و تاثیر آن در هنرهای اسلامی. *نشریه هنر*، (۱۳)، ۳۱۸-۳۷۳. <http://noo.rs/FHjRr>

بدری، روح اله. (۱۳۹۰). نیشابور در قرن‌های سوم و چهارم هجری. *مسکویه*، ۶/۱۸، ۴۱-۶۷. <https://sid.ir/paper/177478/fa>

بمباچی. (۱۳۷۶). *هنر غزنوی. در: تاریخ هنر ایران (۷): هنر سامانی و هنر غزنوی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.

بی‌باک، شهرام. (۱۳۹۸). جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ. *پژوهش در هنر و علوم انسانی*، ۴(۹)، ۴۵-۵۲.

<https://civilica.com/doc/1547349>

بی‌باک. (۱۳۱۸). حفريات نیشابور: کاوش‌های هیئت موزه متروپولیتن در تپه سبزپوشان. ترجمه عبدالله فریار. *نشریه آموزش و پرورش*، ۹(۳)، ۵۰-۶۸.

<http://noo.rs/K5U2R>

حموی، یاقوت. (۱۳۴۷). *برگزیده مشترک یاقوت حموی*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: کتابخانه ابن سینا.

خاکسار باغان، نیایش، حمزوی، یاسر، و موسی‌زاده، مژگان. (۱۴۰۳). مطالعه فنی آرایه‌های گچی محوطه تاریخی شادیاخ نیشابور (ساختارشناسی سه

قطعه آرایه گچی) *فصلنامه علمی اثر*، ۴۵(۱۰۴)، ۱۶۱-۱۴۳. <http://athar.richt.ir/article-2-1831-fa.html>

- دشتی، محمد. (۱۳۸۳). تاریخ تشیع در نیشابور (از آغاز تا پایان قرن چهارم هجری) (۱). *نشریه تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، (۴)، ۷۵-۱۰۲. <http://noo.rs/BW6oW>
- دیماند، س.م. (۱۳۶۵). *راهنمای صنایع اسلامی*. ترجمه عبدالله فریار. ویرایش دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحمانی، امیر، یوسفی نوید، مجید، مسلسل، عبدالله، محسن قربانخانی. (۱۳۹۲). شهر نیشابور در گذر زمان (عصر قدیم و جدید). *خراسان بزرگ*، (۱۰)، ۳۳-۳۳. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516131.1392.3.10.2.7>
- رحمتی، محسن، علی‌دادیگراوند، مظفر، حق‌نظر، هادی، و گراوند، نجمیه. (۱۳۹۲). تاثیر سلجوقیان بر اوضاع تجاری - بازرگانی نیشابور. *نشریه تاریخ اسلام*، (۵۵)، ۱۵۱-۱۷۴. https://hiq.bou.ac.ir/article_10634.html
- زنگنه، ابراهیم. (۱۳۷۶). فرهنگ و میراث فرهنگی شهرستان نیشابور و مهمترین وقایع تاریخی آن. *نشریه مشکوه*، (۵۴ و ۵۵)، ۱۴۶-۱۶۸. <http://noo.rs/yC3XX>
- شراتو، امبرتو. (۱۳۷۶). *هنر سامانی*. در: *تاریخ هنر ایران (۷)*: هنر سامانی و هنر غزنوی - ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر مولی.
- صالحی‌کاخکی، احمد، و تقوی‌نژاد، بهاره. (۱۳۹۶). پژوهشی بر تزئینات معماری دوره غزنوی. *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، (۴)، ۹۱-۱۱۸. 10.22108/jhr.2017.22088
- طاهری، علی. (۱۳۸۴). *درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور*. نیشابور: ابرشهر.
- قیومی‌بیدندی، مهرداد. (۱۳۸۵). *باغ‌های خراسان در تاریخ بیهقی*. در: *مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*. جلد سوم. ۴۸-۱۱۹. تهران: رسانه پرداز.
- کریمی، بهمن. (۱۳۳۹). *تاریخ نیشابور*. تهران: ابن سینا.
- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۹۸). *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- گرایلی، فریدون. (۱۳۷۴). *نیشابور، شهر فیروزه*. انتشارات خاوران.
- لباف‌خانیک، رجبعلی، و بختیاری شهری، محمود (۱۳۸۲). گزارش فصل چهارم کاوش‌های باستان‌شناختی شادیاخ/پایگاه میراث فرهنگی - منطقه تاریخی - فرهنگی نیشابور، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی (منتشر نشده)
- لباف‌خانیک، رجبعلی، و کروران، مونیك. (۱۳۸۶). مروری بر مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی هیئت مشترک ایران و فرانسه در کهن‌دژ نیشابور. در: *گزارش‌های باستان‌شناسی (۶)*: ویژه دوره اسلامی. ویراسته حمیدرضا توسلی، ۲۱-۳۴. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری - پژوهشکده باستان‌شناسی
- لباف‌خانیک، رجبعلی. (۱۳۹۴). *نگاهی به تاریخ و باستان‌شناسی خراسان در دوران اسلامی*. در: *گذری بر باستان‌شناسی خراسان، گزیده‌ای از یافته‌های باستان‌شناختی و نفایس تاریخی - فرهنگی خراسان*. به کوشش میثم لباف‌خانیک، ۶۸-۷۵. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- لباف‌خانیک، رجبعلی. (۱۴۰۰). *شادیاخ و نیشابور در عرصه تاریخ و باستان‌شناسی*. تهران: امید مجد، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- لباف‌خانیک، میثم. (۱۴۰۲). *تداوم سنت‌های هنری ساسانی در تزئینات معماری بناهای دوران اسلامی خراسان تا پیش از حمله مغول*. *زرین فام* *دوفصلنامه مطالعات موزه‌ای*، (۲)، ۸-۳۴. <https://doi.org/10.30481/museum.2024.421575.1027>
- لباف‌خانیک، میثم. (۱۳۹۳). *تاثیرات متقابل نیشابور و راه ابریشم در دوره ساسانی*. *مطالعات باستان‌شناسی*، (۱)، ۸۷-۹۷. <https://doi.org/10.22059/jarcs.2014.52677>
- لباف‌خانیک، میثم. (۱۳۹۴). *خراسان در عصر ساسانی*. در: *گذری بر باستان‌شناسی خراسان، گزیده‌ای از یافته‌های باستان‌شناختی و نفایس تاریخی - فرهنگی خراسان*. به کوشش میثم لباف‌خانیک، ۶۱-۶۶. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- مصباح‌اردکانی، نصرت‌الملوک، و لزگی، حبیب‌الله. (۱۳۸۷). *مطالعه تأثیر نقش‌مایه‌های گچ‌بری دوره ساسانی بر نقوش گچ‌بری دوره اسلامی*. *دوفصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش‌مایه*، (۲)، ۳۷-۵۰. <http://noo.rs/u33Be>
- مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۶). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: تزئینات معماری*. چاپ سوم. تهران: سمت.

منتشری، مهران. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر هنر گچبری دوران ساسانی بر تزئینات گچبری معماری قرون ۱ تا ۵ هجری. فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز، ۳(۸)، ۵۵-۶۸. <http://noo.rs/MLLSd>

مولوی، عبدالحمید. (۱۳۵۵). آثار باستانی خراسان: شامل آثار و ابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار ج. ۱. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی ایران. (۱۲۱)

مویدنابتی، علی. (۱۳۵۳). تاریخ نیشابوری. انجمن آثار ملی ایران.

کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان. (۱۳۸۰). فرهنگ جغرافیایی ایران، خراسان. ترجمه کاظم خادمیان. ویراسته جلال، قیامی میرحسینی. مشهد: موسسه چاپ آستان قدس رضوی.

نجفیان، محمد جواد، اقبالی، پرویز، و حمزوی، یاسر. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی شیوه اجرای آرایه گچی کشته‌بری با سایر آرایه‌های گچی در معماری دوره صفویه. مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۸(۳۰)، ۳۰۰-۳۷۷. <http://journal.richt.ir/mbp/article-1-953-fa.html>

ویلیکینسون، چارلز کیمل. (۱۳۸۰). فرهنگ و تمدن اسلامی نیشابور از اسلام تا حمله مغول. ترجمه نسرین احمدیان شالچی. نشریه مشکوه. (۷۱)، ۴۳-۵۷. <http://noo.rs/zQWmw>

Dimand, M., S. (1938). Samanid Stucco Decoration from Nishapur. *Journal of the American Oriental Society*, 58(2), 258-61.

Haddon, R. W. (2016). Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez by Rocco Rante and Annabelle Collinet, with Contributions by Rajabali Labbaf Khaniki. *Islamic Archaeology*, 3(1), 150-51.

Hauser, W. (1936). The Plaster Dado from Sabzpushan. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 32(10), 23-36.

Holakoei, P., de Lapérouse, JF., Rugiadi, M. et al. (2018). Early Islamic pigments at Nishapur, north-eastern Iran: studies on the painted fragments preserved at The Metropolitan Museum of Art. *Archaeol Anthropol Sci.*, 10, 175-195. <https://doi.org/10.1007/s12520-016-0347-7>

Melville, C. (1980). Earthquakes in the History of Nishapur. *Iran*, 18(1), 103-120. <https://doi.org/10.1080/05786967.1980.11834262>

Paul, J. (2005). The Seljuq conquest(s) of Nishapur: A reappraisal. *Iranian Studies*, 38(4), 575-585. <https://doi.org/10.1080/00210860500338366>

Rante, R., & Collinet, A. (2013). *Nishapur Revisited: Stratigraphy and Ceramics of the Qohandez*. Oxford: Oxbow Books.

Wilkinson, C. K. (1986). *Nishapur: Some Early Islamic Buildings and Their Decoration*. New York: Metropolitan Museum of Art.

خاکسار باغان، نیایش، حمزوی، یاسر (۱۴۰۴). مروری بر آرایه‌های گچی محوطه‌های باستان‌شناسی سده اولیه اسلام در نیشابور، استان خراسان رضوی، ایران. میراث جنوب غربی آسیا، ۱۲(۱)، ۵۵.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.551496.1011>